



مدیریت جهادی اساس مدیریت بحران (بررسی موردی مدیریت بحران در زلزله بم)

وحید رستمی^{۱*}، امیررضا رستمی^۲، مهدی فرخی^۳

۱- عضو هیات علمی، گروه عمران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران

و عضو موسسه مدیران جوان پویا

Email: Rostami@iauh.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: Rostamiamirreza@gmail.com

۳- مهدی فرخی

۳- کارشناس مهندسی کامپیوتر و عضو موسسه مدیران جوان پویا

چکیده

عموماً "سانحه یا بحران رویداد ناگهانی است که با آسیبهای انسانی و مادی گسترده همراه بوده و نیازمند اقدامات فوری و سریع است. در این میان کانونهای زیستی اصلی و محل تمرکز عمده جمعیت در صورت بروز حوادث ناگهانی می توانند زمینه ساز فجایع عظیم انسانی گردند. از این رو پیش بینی تمهیدات لازم به منظور جلوگیری و مدیریت بحران بوجود آمده از اهمیت فراوانی برخوردار است. بطور کلی در شرایط بحران نظیر وقوع حوادثی چون، زلزله، آتش سوزی، سیل و ... مهمترین مسئله بسیج عمومی نیروهای کارآمد، استفاده از نیروی مردمی، جذب اعتماد و اطمینان آسیب دیدگان نسبت به برنامه های مورد نیاز و القاء باورهای خود می باشد. از مصادیق مدیریت جهادی می توان به مواردی نظیر اعتقاد به مشارکت مردم در جبران بحران بوجود آمده، صرفه جویی در هزینه ها و الگوگرفتن از فرهنگ و سنن مردم، احساس مسئولیت، ارائه خدمات بی منت، داشتن دغدغه قشر آسیب دیده، اشاره نمود. به نوعی می توان گفت که با بکارگیری مدیریت جهادی در مدیریت بحران می توان از خسارتهای جانی و مالی ناشی از حوادث جلوگیری نمود و یا به حداقل صدمات آنرا کاهش داد. در این مقاله مدیریت بحران در زلزله بم مورد بررسی قرار گرفته و خلایق های مدیریت جهادی در آن بررسی شده است. نتایج این بررسی نشان می دهد که بهره گیری از مدیریت جهادی می تواند نقش بسزایی در کنترل بحران و مدیریت آن داشته باشد.

واژه های کلیدی: مدیریت جهادی، مدیریت بحران، شاخصهای مدیریت جهادی، مدیریت بحران در بم

۱- مقدمه

بطور کلی مدیریت به عناوین مختلفی تعریف شده است. برخی تعاریف، مدیریت را هنر انجام امور به وسیله دیگران توصیف کرده و بر نقش دیگران و قبول هدف از سوی آنان تأکید ورزیده است. همچنین برخی دیگر در قالب انجام وظایفی چون برنامه ریزی، سازماندهی، هماهنگی و ... بیان نموده اند. بعضی هم مدیریت را اینگونه تعریف کرده اند که مدیریت را می توان علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن، رهبری و کنترل فعالیت های دسته جمعی، برای نیل به هدفهای مطلوب با حداکثر کارایی تعریف کرد. بطور علمی می توان گفت، مدیریت عبارت است از حداکثر استفاده مطلوب از منابع موجود (نیروی

۱ و * - وحید رستمی: عضو هیات علمی گروه عمران دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

۲- دانشجوی مدیریت کارآفرینی دانشگاه تهران



انسانی - امکانات مالی و امکانات فیزیکی) از طریق اعمال اصول یا نظام مدیریت (برنامه ریزی - سازماندهی - هدایت و رهبری - نظارت و کنترل و هماهنگی) برای رسیدن به هدفی خاص.

بحران در حقیقت یک واقعه روانی - اجتماعی است که باعث متلاشی شدن روند متعارف زندگی و واکنش های اجتماعی می شود و موجب آسیب های جانی و مالی، تهدیدها، خطرها و نیازهای تازه ای می گردد، در نتیجه می توان بحران را اینگونه تعریف کرد ، حادثه ای که به طور طبیعی و یا توسط انسان به طور ناگهانی به وجود می آید و موجب تحمیل مشکلات اساسی برای جامعه انسانی می شود که بر طرف کردن آن نیاز به اقدامات اساسی و فوق العاده باشد [1]. مشکلات بوجود آمده در بحران از دو جنبه ملی و جهانی حائز اهمیت است. ویژگی های بحران را می توان به شکل زیر خلاصه کرد [5]:

الف- بحران غیر قابل پیش بینی است.
ب- بحران ها آثار مخربی دارند و مردمی که تا قبل از بحران نیازمند کمک نبودند، به محض وقوع بحران نیازمند کمک می شوند.

ج- ماهیت و آثاری طولانی دارند.

د- در وضعیت بحرانی، معمولاً تصمیم گیری تحت شرایط وخیم و در زمان محدود انجام می گیرد.

ه- محدودیت و فشردگی زمان، همواره توأم با غافلگیری، استرس و مخدوش شدن اطلاعات خواهد بود.

از نظر عملیاتی نیز بحران را می توان به صورت یک سیستم، تجزیه و تحلیل کرد که در آن دو سری عوامل مختلف یکی محیط و ساختار سیستم و دیگری، عواملی که موجب بحران هستند، وجود دارد. تعیین اینکه کدام یک از عوامل و عناصر تشکیل دهنده سیستم در مقابل بحران آسیب پذیری و تاثیر پذیری بیشتری دارد، یکی از وظایف اولیه و موثر مدیریت بحران است. تعیین آسیب پذیرترین بخش سیستم در عمل به بخشی از سیستم برمی گردد که بالاترین رسیدگی را نیاز دارد.

۱-۱- لحظات بحرانی در شرایط بحرانی

بررسی بحرانهای گذشته نشان می دهد، افراد در اینگونه موارد دچار سردرگمی می شوند، ساده ترین و در عین حال اساسی ترین اشتباهات در لحظات بحرانی رخ می دهد، معمولاً سخن و عملکرد افراد خلاف جهت منافع خود و سازمان آنهاست، دستپاچگی و عکس العملهای غیرمنطقی در چنین شرایطی بسیار دیده می شود، حفظ اعتبار، کاهش عوارض و بازتابهای منفی آن بر آینده و افکار عمومی مسائلی هستند که گاه از کنترل خود بحران، برای افراد درگیر شده با بحران، مشکل تر می شود. تضادی که بین کنترل بحران و تسلط بر شایعات و اعصاب ایجاد می گردد، دقیقاً نمایانگر عدم آمادگی است. تعجب و غافلگیری اولین عامل مخرب در بحرانهاست. در حقیقت دوباره به دست گرفتن اوضاع یا شکست در همان ساعات اول مشخص می شود.

۱-۲- درجه بندی بحرانها

بررسی بحرانهای گذشته نشان می دهد، سه عامل مهم در تشخیص نوع و شدت بحران از جهت تصمیم گیری نقش عمده دارند. بطور خلاصه این سه عامل شامل موارد زیر می شود:

الف- تهدید

ب- زمان



ج-غافلگیری.

بر این اساس بحرانها را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف- بحران درجه ۱: عبارت است از هر رویداد پیش بینی نشده ای که یک واحد، به تنهایی و با امکانات معمول خود قادر به مقابله با آن باشد.

ب- بحران درجه ۲: هر رویداد پیش بینی نشده ای که دو یا بیش از یک واحد یا نهاد، با قابلیت بیش از حد معمول لازم باشد.

ج- بحران درجه ۳ (حاد): هر رویداد غیر منتظره ای که ابعاد آن به حدی است که برای مقابله با آن به تجهیز کلیه امکانات و نهادهای مسئول در سطح شهر و هماهنگ کردن و همکاری این نهادها و نهادهای دیگر خارج از این حوزه نیاز باشد.

در شرایطی که شدت تهدید، کوتاهی زمان و غافلگیری زیاد باشد بحران را می توان بعنوان بحران حاد مطرح کرد. بطور مثال شرایط زلزله، تخریبهای ناشی از آن و همچنین اثرات روحی، روانی و اجتماعی آن را می توان در حوزه بحرانهای حاد قرار داد. بنابراین تصمیماتی که اخذ می شود به تناسب شدت تهدید، تداوم زمانی و درجه آگاهی از تهدید که نشاندهنده غافلگیری است، متفاوت خواهد بود.

۲- مدیریت بحران

مدیریت بحران فرایندی است برای پیشگیری از بحران و یا به حداقل رساندن اثرات آن، به هنگام وقوع بحران می باشد [۲]. بنابراین، می توان گفت علمی کاربردی است که به وسیله مشاهده سیستماتیک بحرانها و تجزیه و تحلیل آنها در جستجوی یافتن ابزاری است که بوسیله آنها بتوان از بروز بحران ها، پیشگیری نمود و یا در صورت بروز آن در خصوص کاهش اثرات آن آمادگی لازم امداد رسانی سریع و بهبودی اوضاع اقدام نمود.

برای انجام این فرایند باید بدترین وضعیتها را برنامه ریزی و سپس روشهایی را برای اداره و حل جستجو کرد [۶]. اگر مدیریت بحران را برنامه ریز جهت کنترل بحران تعریف کنیم در آن صورت چهار مرحله برای برنامه ریزی و کنترل بحران باید انجام داد. نخست باید پدیده های ناگوار پیش بینی گردد، سپس باید برنامه های اقتضایی گردند، در ادامه باید تیم های مدیریت بحران تشکیل و آموزش داده شوند و سازماندهی گردند و سرانجام باید برای تکمیل برنامه ها، آنها را به صورت آزمایشی و با تمرین به اجرا درآورد [۷].

امروزه عمده ترین نقاط ضعف مدیریت بحران عدم هماهنگی و همکاری سازمانها، کمبود ضوابط و مقررات جامع و مانع و پراکندگی و نا کافی بودن قوانین و مقررات موجود و محدودیت منابع مالی است.

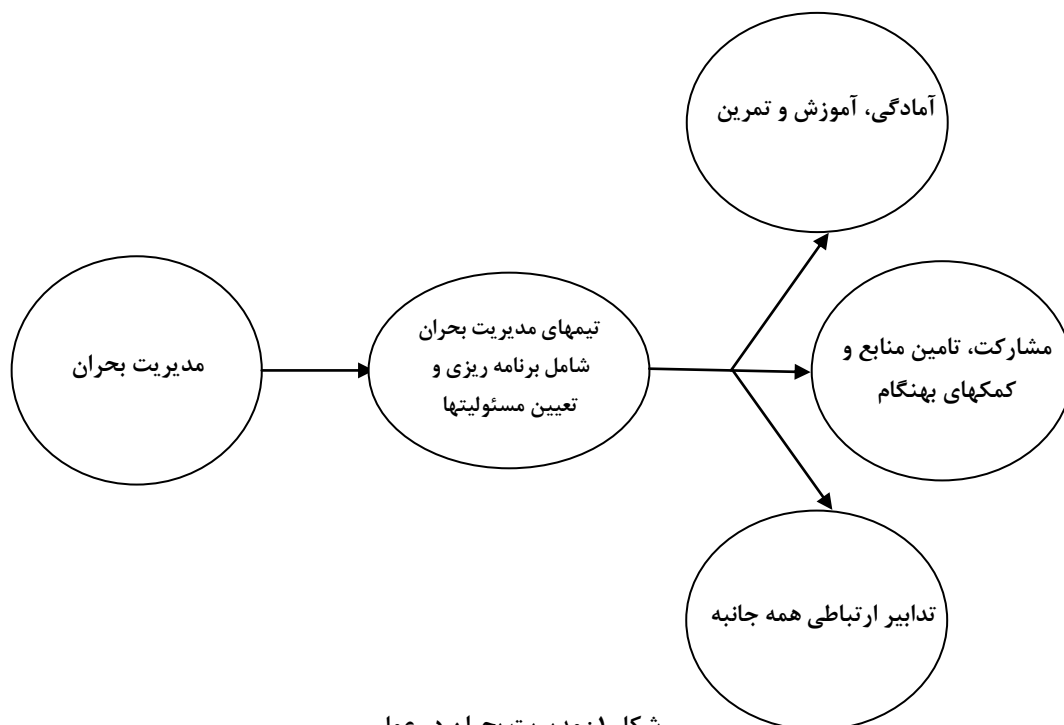
۲-۱- اهداف مدیریت بحران

بزرگترین هدف مدیریت بحران رفع شرایط بحران و اضطراب است که بایستی همراه با بازگرداندن سریع جامعه به حالت عادی باشد. بدون شک کاهش آسیب های ناشی از بحران چه جانی و چه مالی و کاهش اثرات بحران در جامعه و مقابله با آن با کمترین هزینه ها از سایر اهداف اساسی مدیریت بحران بشمار می رود [۳]. از طرفی ایجاد آمادگی در جامعه برای مقابله با بحران و بازسازی مناطق بحرانی از لحاظ فیزیکی، روانی و فرهنگی، از اهداف آن بشمار می رود. یکی از مهمترین مواردی که امروزه در جوامعی که بحرانهای زیادی مواجه می شوند، ایجاد تمرین و آموزش و مانورها در مناطق، جهت آمادگی برای مقابله با بحران، هم برای مدیران و هم مردم، می باشد که می تواند بطور قابل توجهی اثرات منفی بحران را به حداقل رساند.

۲-۲- وظایف و ویژگیهای مدیریت بحران

بنابر اهداف ذکر شده در بخش گذشته، مهمترین وظایف و ویژگیهای مدیر بحران را می توان به شرح زیر دسته بندی کرد:

- ۱- آمادگی کامل برای هر گونه پیشامد.
 - ۲- پی ریزی دفاتر مطالعاتی ملی، منطقه ای و هماهنگ سازی آنها به نحوی که از دوباره کاری پرهیز شود.
 - ۳- تهیه بانک اطلاعاتی روز آمد برای استفاده هر چه بهتر آن.
 - ۴- تفکیک وظایف واحدهای امداد رسانی و انجام عملیاتهای آمادگی سالانه.
 - ۵- ایمن سازی شبکه ها و شریانهای حیاتی که شامل آب ، برق، سوخت ، ارتباطات جاده ای مخابراتی برج کنترل فرودگاهها و سدها و... به دلیل اینکه شرایط منطقه پس از بحران نابسامان است در کوتاهترین زمان نمی توان به ترمیم این شبکه پرداخت زیرا این کار خود خسارات زیادی را به بار می آورد و از سرعت عمل امداد می کاهد .
 - ۶- آگاهی افکار عمومی یکی دیگر از وظایف مدیر بحران است تا وقتی مردم قدم در این راه نگذارند تلاش دولتها بی فایده است .
 - ۷- شناسایی انواع بحرانها.
 - ۸- تشکیل گروه مدیریت بحران و تهیه برنامه مدیریت بحران.
 - ۹- پیش بینی و پیشگیری از وقوع بحران.
 - ۱۰- برنامه ریزی ، سازماندهی و کوشش در جهت استفاده بهینه از منابع.
- با توجه به موارد مذکور می توان خلاصه عملکرد مدیریت بحران را به صورت فلوجارت شکل (۱) ارائه نمود. کلیه اهداف فوق در مدیریت بحران در چند زیر مجموعه زیر قرار می گیرد.



شکل ۱: مدیریت بحران در عمل

۳- شاخصهای اساسی مدیریت جهادی



در این بخش مهمترین شاخص های مدیریت جهادی بطور خلاصه مورد ارزیابی قرار می گیرد.

۳-۱- از جنس مردم و با مردم بودن:

مقابله با مشکلات عظیم، و کنترل بحرانهای حاد و ساختارشکنی در نظامهای سنتی، بدون بهره گیری از توان تمامی آحاد مردم و برقراری ارتباط دوطرفه با ایشان، امکان پذیر نیست. از اینرو یکی از شاخصه های بسیار ارزشمند مدیریت جهادی پذیرش جایگاه مردمی آن می باشد.

۳-۲- روحیه ایثارگری:

اصولا ویژگیهای مدیریت جهادی را باید در اساس و ارکان و همچنین فلسفه وجودی جهاد جستجو کرد. مدیریت جهادی که مبتنی بر مشارکت داوطلبانه عامه مردم می باشد، دارای ساختار اعتقادی و ایمانی و مبتنی بر ارزش های دینی، اخلاقی، احساس تکلیف و وظیفه و مسئولیت پذیری تا سرحد آمادگی برای ایثار، تعریف نمود [۴]. ویژگی ایثارگری در مدیریت جهادی مرزهای مالی و مادی را تحت شعاع قرار داده و قله ایثار را نمایان می سازد. لذا واژه "حقوق و دستمزد" تقریباً واژه ای نامأنوس بشمار می رود.

۳-۳- انعطاف پذیری:

وجود انعطاف پذیری در مدیریت جهادی آن را برای انجام هر گونه اقداماتی آماده می کند هر چند این اقدامات خارج از تخصص مدیر باشد، انعطاف پذیری ایشان، در راستای پیشبرد اهداف سازمان و یا کنترل بحران، بسیار موثر است. در همین راستا خلا های پیش آمده در مدیریت بحران با چنین انعطاف پذیری کاملی پر خواهد شد و مسئولیتی مغفول نخواهد ماند.

۳-۴- دین مداری و ولایت محوری :

یکی از مهمترین شاخصه ها در مدیریت جهادی تفکر انجام وظیفه و تکلیف دینی برای خدمت به مردم کنترل در کنترل بحران می باشد. در بسیاری از موارد اولین دلیل و انگیزه حضور یک مدیر بعنوان مدیر جهادی داشتن شغل و تأمین معیشت نمی باشد بلکه احساس وظیفه دینی این امر را تشکیل می دهد. به خاطر همین انگیزه دینی و داشتن دغدغه تبعیت از فرامین رهبری است، که نیاز به حضور پر رنگ تر می گردد، زیرا حرکت در مسیر ادای تکلیف و رعایت موازین شرعی و تأکید بر ولایت محوری و پیروی از دستورات رهبری که فریضه دینی تلقی گردیده، نیز می تواند از انحراف احتمالی جلوگیری کند، یکی از اصلی ترین شاخصه های مدیریت جهادی محسوب می شود.

۳-۵- اعتماد متقابل و در تمامی سطوح سازمانی

با این تفکر که یکی از مهمترین انگیزه های مدیریت جهادی برای ادای وظیفه و تکلیف است و براساس خاستگاه مردمی با انعطاف پذیری و ارزش مداری سطح بالایی که برخوردار است می تواند مسئولیتهای محوله را با پویایی و نوآوری تا مرز ایثارگری بر دوش گرفته و به انجام می رساند. حال آنکه لازمه انجام امور محوله در جهت تسریع آن مبتنی بر اعتماد متقابل است. اعتماد در بین تمامی همکاران موجب ایجاد فضای مدیریتی و کاری بسیار مطبوع و مطلوبی می شود که صمیمیت، همدلی و همکاری را در بین اجزاء سازمانی به اوج می رساند. در مدیریت جهادی که انجام وظیفه و تکلیف تا مرز ایثارگری



اساس و محور آن تلقی می شود، دلیلی بر عدم اعتماد وجود ندارد. زیرا که شائبه ای در این انگیزه نیست. اعتماد بین تمامی همکاران و کارکنان نسبت به یکدیگر، اعتماد همکاران در سطوح پایین تر سازمانی، نسبت به همکاران سطوح بالاترشان و متقابلاً اعتماد مقامات سطوح بالاتر، نسبت به مدیران و همکاران سطوح پایین تر و نیز اعتماد مردم به مسولان را شامل می شود.

یکی از اصول حاکم در نظام اداری سنتی اصل عدم اعتماد بوده است. نظام اداری سنتی با این پیش فرض تنظیم شده که هیچکس قابل اعتماد نیست. مگر خلاف آن ثابت شود. این اصل و این نوع بینش به عنوان یک فرهنگ اداری رشد یافته و در همه ابعاد و زوایای روابط اداری و روشهای اجرایی جای گرفته و نهادینه شده است. اعتماد در مدیریت جهادی کاملاً بر عکس چنین تفکری است و از این روست که مدیریت جهادی با فرهنگ و مدیریت سنتی اداری کاملاً متفاوت است. در فرهنگ و مدیریت جهادی (براساس مفروضات اساسی خودش) کنترل در حداقل لازم اعمال می گردد. اما در نظام اداری سنتی یکی از اصول بسیار مهم مدیریت، کنترل همه جانبه است. " باتوجه به مفروض بودن عدم اعتماد کنترل های شدیدی از ابعاد مختلف بر نظام اداری و اجرایی حاکم می شود. وجود حاکمیت رابطه اعتماد متقابل بین مدیریت و نیروها به عنوان دلیلی برای انجام سریع کارها و کاهش بوروکراسی خواهد بود.

۴- بررسی موردی مدیریت بحران در زلزله بم

در این بخش مدیریت بحران در زلزله بم مورد بررسی قرار گرفته و نتایج مدیریت بدون نگرش مدیریت جهادی ارزیابی می گردد. بطور کلی یکی از موضوعاتی که بیشتر شهرهای بزرگ جهان با آن دست به گریبان هستند، موضوع حوادث طبیعی است. با توجه به ماهیت غیر مترقبه بودن غالب حوادث طبیعی و لزوم اتخاذ سریع و صحیح تصمیم ها و اجرای عملیات نجات و بازسازی و رساندن به وضع عادی جامعه، مدیریت بحران را بیش از پیش پراهمیت جلوه می دهد [۳]. البته می توان گفت که بخشی از موضوع مدیریت بحران ارتباط خاصی با مباحث برنامه ریزی شهری، مدیریت شهری، بکارگیری اصول و ضوابط شهرسازی، نوع و استحکام شبکه های ارتباطی و زیر ساختهای شهری دارد، تا حد زیادی اثرات و تبعات ناشی از حوادث طبیعی را می توان با شناخت و بهینه سازی موارد فوق کاهش داد. گستره جغرافیایی ایران از نظر احتمال وقوع این حوادث به ویژه زلزله، از آسیب پذیرترین بخش های کره زمین است که هر ساله وقوع این حوادث موجب خسارتهای جانی و مالی فراوان می شود و گستره های شهری نیز همواره تجربه تلخی از بروز اینگونه بلاها داشته اند. زلزله یکی از عوارض طبیعی محسوب می شود که پیوسته در طول تاریخ باعث خرابی ها و از بین رفتن جان انسانهای زیادی شده است. به تدریج با رشد علم و تکنولوژی به ویژه در بخش مهندسی عمران طراحی مقاوم سازه ها در برابر زلزله توسعه یافته تا جایی که در کشورهایی مانند ژاپن که دارای زلزله های فراوانی در سال می باشند، پیشرفت های بسیاری بدست آمده است، بطوریکه اکثر زلزله ها کمتر می توانند جان انسانها را تهدید کنند. هر چند هنوز پیش بینی زلزله به طور مشخص معین نشده است. فاجعه زلزله بم را می توان در چهل سال اخیر در کشور ایران کم نظیر دانست. یکی از این جهت که منطقه با وجود قرارگیری به روی گسل غیر فعال بم، به یکباره بعد از چند صد سال فعال گردید و دوم بحث ضرورت مقاوم سازی بناهای موجود در شهرهای واقع در کمربند زلزله در کشور را نمایانتر ساخت. یکی از مهمترین مباحث در بحران های ناشی زلزله بحث بازماندگان و ضرورت بازسازی شهرهای زلزله زده می باشد که ضرورت استفاده از طرح های ضربتی را جهت تسهیل و کنترل بحران نمایان می کند. در حال حاضر کشور ما از فقدان یک نظام برنامه ریزی پویای بعد از حادثه رنج می برد. در زلزله بم بدلیل فقدان بسیاری از وسایل اولیه، نجات جان عده ای از هموطنان امکان پذیر نبود. علاوه بر آن به دلیل ازدحام و شلوغی و نبود مدیریت سلسله مراتبی و تقسیم کار شده و غالب شدن جو احساسات بر بازماندگان، امدادسانی با مشکلات زیادی روبرو گشت. به همین دلیل داشتن برنامه ریزی بحران برای کشور ضروری است. زلزله بم از سه جهت مورد توجه می باشد:

الف- همبستگی اجتماعی بالای مردم و احساس همدردی آنان تا حدودی توانست الام آسیب دیدگان را تسکین دهد.



ب- از دست رفتن چندین هزار انسان و مجروحیت جسمی و روانی تعداد زیادی از باز ماندگان و معلولیت تعدادی از آنان که وظیفه بخش بهزیستی را در این بابت دو چندان نمود

ج- نگاهی جدی به برنامه ریزی و مدیریت بحران را به عنوان یک ضرورت نمایان ساخت.

بدون شک زلزله های شدید خرابی های زیادی را به بار می آورد که علاوه بر کشتار اولیه به دلیل تخریب فراوان و زیر آوار ماندن تعدادی دیگر از افراد بر شدت حادثه می افزاید. در زلزله بم هم مرکزیت زلزله در این شهر واقع شده بود و هم اکثریت ساختمانها خشت و گلی بوده و زمان وقوع آن نیز در سپیده دم یک روز تعطیل که تماما" در عمق و گسترش ابعاد فاجعه تاثیر فراوانی داشت. قرارگیری ایران در میان دو صفحه اروپا-آسیا، تجربه زلزله های متعدد در طول ادوار گذشته و رخداد بیش از صد زلزله در طول قرن بیستم در کشور مبین خطرپذیری کشور در کمر بند زلزله است. بحث مهم در این بخش بحث مدیریت بحران است. در یک سیستم با برنامه ریزی پویا، هر عنصری در جایگاه خودش می تواند از اثر بخشی بالایی برخوردار باشد. به همین سبب اگر در یک نظام اقتصادی و اجتماعی، عناصر از چیدمان خوبی برخوردار باشند و به نحو مناسب کارایی خود را انجام دهند وظایف دستگاههای مختلف از بار سنگینی برخوردار نخواهد بود ولی اگر نقصان و کم کاری در قسمتی از سیستم فراهم آید بلافاصله اثرات خود را در فشار به سایر قسمت های سیستم نشان خواهد داد. در برخی از حوادث اجتماعی بیشترین بار را سازمانهای حمایتی و موازی به دوش خواهند کشید یا به تعبیر دیگر ناکارایی بعضی از سازمانها و مؤسسات را بخش خاصی به ناچار باید تقبل کند. در زلزله بم اوج ایثار را در کمک و امداد رسانی داخلی و خارجی شاهد بودیم که در بعضی از موارد حتی افراد و مؤسسات به صورت خودجوش دست به اقدام می زدند که خود این عامل نیز مشکل زا بود. علاوه بر آن هجوم بعضی از افراد فرصت طلب از نواحی مختلف منطقه زلزله زده، هم برای دریافت کمک و هم برای غارت، شدت ناگواری اجتماعی حادثه را افزایش می داد، بنابراین مدیریت بحران می بایست در قالب سیستم و سازمانی منعطف و کارا به تدوین شیوه های مناسب برنامه ریزی اقدام می نمود چنین برنامه ریزی باید اقداماتی را در دو سطح خرد و کلان در نظر بگیرد. در سطح خرد بحث برنامه ریزی و تدوین اقدامات فردی و خانواری است و نیز بحث اقدامات امدادی و سازمان دهی آن و در بحث کلان برنامه ریزی دراز مدت برای مقابله جدی با وقوع زلزله توسط سیاستگذاران و دولتمردان است. اما درسهای زلزله بم به همین جا ختم نمی شود، آنچه که در این زلزله نمود بیشتری داشت، بحث عدم وجود شاخصه های مدیریت جهادی بود که با توجه به توضیحات بخش یک عموماً عوامل اجرایی تنها امور ستادی نه جهادی را انجام می دادند، لذا حتی پس از ۲۴ ساعت بعد زلزله ستادها بطور کامل تشکیل نشده و اقدامات امداد و نجات فعال نگردیده بود. البته باید اشاره کرد که مدیریت بحران تا پایان بازسازی باید ادامه یابد، که شرایط بازسازی مناطق زلزله زده بدلیل بروکراسی اداری فاقد مدیریت جهادی، تا ماهها این امر را مورد تاثیر خود قرار داد. روند کند بازسازی شاهدهی بر این ادعا ست. البته این ادعا زحمات هیچ یک از مسئولان را زیر سوال نمی برد بلکه این موضوع را شفافتر می کند که بکارگیری تفکر مدیریت جهادی می تواند در بحرانهای نظیر زلزله بم کارگشا تر باشد.

۵- نتایج و پیشنهادات

عوامل متعددی در شرایط بحران می تواند هم باعث کنترل آن شده و هم از نظر منفی می تواند باعث ایجاد اختلال در بحران گردد. لذا بررسی این مقاله رسیدن به راهکاری جهت برون رفت از بحرانهای حاد در بحث مدیریت بحران را مورد نظر قرار داده است و وجود مدیریت جهادی را در بحرانهایی نظیر وقوع زلزله که که دارای ابعاد اقتصادی و اجتماعی گسترده ای می باشد را نمایان می کند.

۱- در شرایط بحران مانند وقوع حوادثی مانند زلزله، آتش سوزی، سیل و ... مهمترین مسئله بسیج مردم استفاده از نیروی مردمی، جذب اعتماد و اطمینان مردم نسبت به برنامه های مورد نیاز و ارتقا خودباوری و خدامحوری می باشد که بکارگیری مدیریت مردم محور بنام مدیریت جهادی در این امر کارگشا است.



- ۲- مدیریت جهادی برای ادای وظیفه و تکلیف است و براساس خاستگاه مردمی با انعطاف پذیری و ارزش مداری سطح بالایی که برخوردار است، می تواند مسؤلیتهای محوله را با پویایی و نوآوری تا مرز ایثارگری بر دوش گرفته و به انجام می رساند. لذا لازمه انجام امور محوله در جهت تسریع آن مبتنی بر اعتماد متقابل است.
- ۳- در بحث مدیریت بحران در زلزله بم عدم وجود مدیریت جهادی واحد و بکارگیری مدیران جهادی و استفاده از میریت سنتی مبتنی بر بروکراسی اداری منجر به طولانی شدن امدادسانی و امر بازسازی شد که نمود مدیریت جهادی را بیش از پیش نمایان می سازد.

۶- مراجع

- [۱] جک گاتز چاک، (۱۳۸۳)، « مدیریت بحران (در بخشهای خصوصی و دولتی)»، چاپ اول، تهران: انتشارات ترمه.
- [۲] رضوانی حمید رضا، (۱۳۸۵)، مدیریت بحران سازمانی، ماهنامه تدبیر، سال هیجدهم، شماره ۱۷۰.
- [۳] صالحی اسماعیل، (۱۳۸۵)، ساز و کار هماهنگی در مدیریت در بحران، دومین همایش بین المللی مدیریت جامع در حوادث غیر مترقبه، تهران، ایران
- [۴] میری سید جواد، (۱۳۸۸)، ویژگیهای فرهنگ جهادی و آفات آن، دومین همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی، تهران، ایران
- [5]. Mitroff, Ian I., Paul Shrivastava, and Ferdous E. Udwardia; "Effective Crisis Management"; Academy of Management Executive Journal; 1978; Vol. 1; P. 60.2. Booth, Simon; "Crisis Management Strategy"; Routledge; 1993; P. 64.
- [6] Wei, W.U., Shiyan D.A.I., A Comparative Study of Crisis Management Planning in Singapore and Hong Kong; Faculty of Business Administration, National University of Singapore; 2001; P. 4-5.
- [7] Hwang P.; Lichtenthal, J., Anatomy of organizational Crises; Institute for the Study of Business Markets (ISBM) Report 28, the Pennsylvania; 1999; P. 13-15